

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25386328.1401.4.7.2.5>

The Indicators of "Balance Guard of the Islamic Revolution" are based on the "ideas of Imam Khamene-Imadzaleh". Case study: Martyr Haj Qasim Soleimani

Seyyed Abdul Hadi Razavi¹, Hossein Amiri²

Abstract

"Pasdar" is a familiar concept in Islamic education and, accordingly, in the discourse of the Islamic Revolution; A concept that has been applied to many examples at different times from the beginning of Islam until now, and many examples can be expressed for it; Basically, the concept and meaning of "guardian" and "guardian" becomes meaningful when we are faced with a phenomenon and a living and valuable creature and for this reason it has been threatened from various aspects; It is in this situation that the duty of "guarding" is determined. The basic question here is who can protect that valuable phenomenon - which is the Islamic revolution - under what conditions and characteristics? In this article, by placing martyr Hajj Qassem Soleimani as the subject of study, we have validated the statements of Imam Khamene-Imdzaleh as a "Balance Guard Indicator"; Based on this, by using documentary and Delphi methods, after counting the statements and analyzing and confirming them, the indicators of Pasdar in the level of the Islamic Revolution have been determined and described. Based on this, some of the most important indicators were determined, such as sincerity, courage, persistence and innovation in doing work, being present and ready in the field, etc.

Keywords: *Islamic Revolution, Imam Khamenei Madzaleh, Guardian, Level of the Revolution, Index*

-
1. corresponding author: PhD in Cultural Management and Planning, Department of Cultural and Media Management, Faculty of Economics and Management, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran.
 2. PhD in Jurisprudence and Principles of Law, Department of Jurisprudence and Law, Management Center of Qom Seminary, Qom, Iran; amiri5456@yahoo.com

شاخص‌های «پاسدار تراز انقلاب اسلامی» مبتنی بر «اندیشه‌های امام خامنه‌ای مدظله‌العالی» مورد مطالعه: شهید سلیمانی

سیدعبدالهادی رضوی^۱، حسین امیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷

چکیده

«پاسدار» مفهومی آشنا در معارف اسلامی و به تبع آن در گفتمان انقلاب اسلامی است؛ مفهومی که در برهه‌های مختلف از صدر اسلام تاکنون بر مصادیق فراوانی بار شده و نمونه‌های در تراز فراوان برای آن می‌توان بیان نمود. اساساً مفهوم «پاسدار» و «پاسداری» زمانی معنا پیدا می‌کند که با پدیده و موجود زنده و باارزشی مواجه باشیم و به همین دلیل از جوانب مختلف مورد تهدید قرار گرفته باشد؛ در این شرایط است که وجوب «پاسداری» مشخص و معین می‌گردد. سؤال اساسی اینجاست که چه کسی با چه شرایط و ویژگی‌هایی می‌تواند از آن پدیده با ارزش - که در اینجا منظور انقلاب اسلامی است - پاسداری نماید؟ این سؤال در راستای تحقق هدف تعیین شاخص‌های پاسدار تراز انقلاب اسلامی مطرح شده است. در این مقاله با قرار دادن شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان مورد مطالعه، سخنان امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را در خصوص ایشان به‌عنوان «شاخص پاسدار تراز» اعتبار کرده‌ایم. براین‌اساس با بهره‌گیری از روش اسنادی و دلفی پس از احصاء فرمایشات و تحلیل و تأیید آنان، شاخص‌های پاسدار در تراز انقلاب اسلامی تعیین و توصیف شده است. برخی از مهم‌ترین این شاخص‌ها از قرار اخلاص، شجاعت، پشتکار و جدیت در انجام کار، حاضر و آماده در میدان بودن و غیره مشخص گردید.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، پاسدار، تراز انقلاب، شاخص

۱. نویسنده مسئول: دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، گروه مدیریت فرهنگی و رسانه، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

۲. دکتری فقه و اصول - حقوق، گروه فقه و حقوق، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ایران؛

amiri5456@yahoo.com

مقدمه

انقلاب، مفهوم آشنایی است که قرن‌ها در ادبیات سیاسی و حکمرانی جهان متولد شده و با شمارش مصادیق مختلفی برای آن به کالبدشکافی آن انقلابات از منظرهای گوناگون پرداخته شده است. در این میان انقلاب اسلامی ایران دارای برجستگی و تمایز خاصی است، تا جایی که می‌تواند چنین ادعا نمود که وقوع آن نظم جدیدی را بر نظام بین‌الملل حاکم نمود. «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود. طبیعی بود که سردمداران گمراهی و ستم واکنش نشان دهند، اما این واکنش ناکام ماند. چپ و راستِ مدرنیته، از تظاهر به نشنیدن این صدای جدید و متفاوت تا تلاش گسترده و گونه‌گون برای خفه کردن آن، هرچه کردند به اجل محتوم خود نزدیک‌تر شدند» (امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

انقلاب اسلامی چونان موجودی زنده و پویاست که برای رسیدن به اهداف بلند خود به‌ویژه «تشکیل تمدن نوین اسلامی» فراگیر در عالم، تلاش و حرکت بی‌وقفه دارد؛ طبیعی است که این موجود زنده با این سطح از هدف‌گذاری و سرعت در حرکت، دشمنان بسیاری داشته باشد که از ناحیه آنان در معرض انواع تهدید باشد؛ در این نقطه است که دقیقاً مفهوم «پاسدار» و «پاسداری» متولد می‌شود. امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در توصیف و تبیین این معنا چنین عنوان داشته است: وقتی شما می‌گویید ما پاسدار انقلابیم، معنایش این است که انقلاب زنده است، انقلاب حاضر است، انقلاب موجود است. اگر انقلاب - آن‌چنان‌که بعضی ادعا می‌کنند یا بعضی آرزو می‌کنند - مرده بود، پاسدار لازم نداشت؛ مرده که پاسدار نمی‌خواهد؛ پس انقلاب حضور دارد. پس معنای پاسداری انقلاب، متضمن معنای حضور انقلاب است؛ یعنی شما می‌خواهید بگویید انقلاب هست؛ بعد عرض خواهم کرد که بله انقلاب هست و با قوت و قدرت هم هست (امام‌خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۶/۲۵).

و باز دقیقاً در همین نقطه است که جایگاه و اهمیت پاسدار و پاسداری مشخص شده و لازم است بر آن تمرکز جدی شود و از زوایا و ابعاد مختلف به آن پرداخته شود؛ بنابراین یکی از مهم-

ترین سؤال‌های قابل طرح در اینجا و منطبق با هدف این مقاله، همین است که عنوان شود با توجه به اهمیت و ضرورت مقوله پاسداری از انقلاب، یک پاسدار می‌بایست دارای چه شاخص‌هایی باشد؟ در اینجا با توجه به توصیفی بودن پژوهش، ضرورتی به بیان فرضیه وجود ندارد و از آنجا که شاخص‌سازی و شاخص‌گذاری فرآیندی مطول دارد و نیاز به روایی سنجی دارد، به جهت حصول سریع‌تر و دقیق‌تر نتیجه، موضوع مورد بحث به صورت «مطالعه موردی^۱» احصاء می‌گردد؛ بر این اساس «شهید حاج قاسم سلیمانی» به عنوان مورد مطالعه و ویژگی‌های تأیید شده در وی از سوی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به عنوان سنجه‌های تأیید شده به عنوان «شاخص‌های پاسدار تراز» اعتبار می‌گردد.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص «حاج قاسم سلیمانی» چه قبل از شهادت و چه بعد از شهادت تاکنون و به مناسبت‌های مختلف به بیان خصوصیات و ویژگی‌هایی از آن شهید بزرگوار پرداخته است تا جایی که فراتر از مقوله پاسدار و پاسداری او را نمونه برجسته تربیت‌شده مکتب امام خمینی (ره) معرفی و چنین عنوان می‌دارد: «سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود» (۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

برای این مقاله، پژوهش‌های زیر - هرچند غیر کامل - به عنوان پیشینه تحقیق قابل طرح و

بررسی می‌باشد:

جدول ۱. پیشینه تحقیق

ردیف	عنوان اثر	نویسنده / مؤسسه	سال تولید	نتایج
۱	ذوالفقار	علی‌اکبری مزدآبادی	۱۳۹۸	این اثر در زمان حیات سچهد شهید حاج قاسم سلیمانی تدوین شده و بخش قابل توجهی از آن برگرفته از مصاحبه‌هایی است که از خود آن شهید والا مقام می‌باشد. این مجموعه در قالب کتاب توسط انتشارات یا زهرا (س) به چاپ رسیده است و شامل یک مقدمه، مجموعه‌ای از خاطرات و در آخر پندها و نکته‌هایی از زبان آن شهید می‌باشد.

¹ Case study

<p>محوریت این کتاب خاطراتی در خصوص هشت سال دفاع مقدس و جنگ در مقابل تروریسم بین‌الملل در سوریه و عراق می‌باشد و هیچ‌گونه تشابهی با موضوع مورد بررسی در این مقاله ندارد؛ هرچند از قسمت‌های اندکی از آن در بخش مبانی نظری این مقاله استفاده شده است.</p>		<p>وجه تمایز آن با مقاله حاضر</p>	
<p>موضوع این اثر وصیت‌نامه الهی - سیاسی شهید والامقام حاج قاسم سلیمانی است که پس از محوربندی آن در قالب کتاب به چاپ رسیده است.</p>	<p>۱۳۹۹</p>	<p>مؤسسه مکتب حاج قاسم</p>	<p>۲ میتاق نامه مکتب حاج قاسم</p>
<p>این اثر در واقع بخشی از دیدگاه‌ها و جهان‌بینی شهید سلیمانی است که در قالب وصیت‌نامه منتشر شده و هرچند این اثر نیز در بخش مبانی نظری کار قابل بهره‌برداری است لکن با هدف مقاله حاضر هم‌جهت نبوده است.</p>		<p>وجه تمایز آن با مقاله حاضر</p>	
<p>این مجموعه که توسط دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به عنوان ویژه‌نامه شهادت سردار سپهد سلیمانی به چاپ رسیده شامل چند بخش می‌شود؛ بخش خاطرات، بخش پیام‌ها و بخش بیانات امام خامنه‌ای در خصوص شهید و شهادت؛ در واقع این کتاب شمای کلی از شهید سلیمانی را از دیدگاه امام خامنه‌ای به مخاطب منعکس می‌نماید.</p>	<p>۱۳۹۸</p>	<p>مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی</p>	<p>۳ معجزه اخلاص</p>
<p>این اثر در تصریح به انتقام از جنایت‌کاران و قاتلان شهید سلیمانی و ابو مهدی المهندس - به عنوان یکی از پیامدهای شهادت آن شهید والامقام - که آن‌هم از فرمایش امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) دریافت شده - که در فرآیند کار قابل استفاده لکن در هدف فاقد اشتراک می‌باشند و اساساً این کار و سایر کارها از فرآیندهای روشی بی-بهره‌اند.</p>		<p>وجه تمایز آن با مقاله حاضر</p>	

۱. مفاهیم و مبانی نظری

۱,۱. مفهوم‌شناسی

۱,۱,۱. قاسم سلیمانی

«قاسم سلیمانی» از عشایر طایفه «سلیمانی» است. به روایت تاریخ، جد سلیمانی‌ها، «امیر محبت»، فرزند «کمال» از عشایر خمسه فارس و از سرداران سپاه نادرشاه بود. وی متولد سال

۱۳۳۷ (تاریخ شناسنامه ۱۳۳۵) «قنات ملک» از توابع «بافت» است. او قبل از انقلاب کارمند سازمان آب بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اول خرداد سال ۱۳۹۵ به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد. «شهید سلیمانی» در این باره می‌گوید: «همه جوان بودیم و باید به شکلی برای انقلاب فعالیت می‌کردیم و این‌گونه بود که وارد سپاه شدم». به دلیل آمادگی جسمانی که او بر اثر پرورش اندام به دست آورده بود، عضو واحد آموزش و مربی پادگان آموزشی قدس کرمان شد. با شروع جنگ و حمله عراق به فرودگاه‌های کشور، وی مدتی از هواپیماهای مستقر در فرودگاه کرمان حفاظت می‌کرد و دو ماه پس از شروع جنگ، همراه سیصد نفر از اولین نیروهای اعزامی از کرمان، عازم جبهه سوسنگرد گردید و فرمانده دسته شد. شوق و علاقه زیاد «شهید سلیمانی» به حضور در جبهه و طرح‌ها و مسائل نظامی باعث شد او که در قالب یک مأموریت پانزده‌روزه وارد جبهه شده بود تا آخر جنگ در جبهه بماند و بازنگردد. «شهید سلیمانی» اولین بار به هنگام آموزش و بر اثر تیراندازی سهوی یکی از نیروهای آموزشی، مجروح شد. سپس در عملیات «کرخه کور» از ناحیه دست جراحات دید. در عملیات طریق‌القدس فرمانده دو گردان از رزمندگان کرمان بود که شب اول عملیات بر اثر شلیک خمپاره دشمن به شدت صدمه دید و در حالی که هنوز بهبودی کامل نیافته بود، به جبهه و نزد حسن باقری - که در عملیات طریق‌القدس با وی آشنا شده بود - برگشت. باقری او را به جبهه شوش فرستاد؛ او مدتی با عنوان معاون مسئول خط در این جبهه ماند. هم‌زمان با تشکیل تیپ‌های جدید سپاه، باقری وی را به مقر «گلف» فراخواند. خطی در ارتفاعات چاه نفت تحویل «شهید سلیمانی» گردید تا به اتفاق دیگر رزمندگان کرمانی، عملیات فتح‌المبین را در جبهه «دشت عباس» انجام دهد. «شهید سلیمانی» نخست دو گردان از نیروهای کرمانی و بعد دو گردان دیگر را به دو کوه آورد و «تیپ ثارالله» را تشکیل داد. «تیپ ثارالله» در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس و رمضان حضور موفقی داشت. «شهید سلیمانی» خاطره‌انگیزترین عملیات را عملیات فتح‌المبین قلمداد می‌کند و در این باره می‌گوید: «بهترین عملیاتی که در آن شرکت کردم، فتح‌المبین بود که آن زمان برای اولین بار مأموریت داده شد که تیپ تشکیل بدهیم و من که مجروح هم بودم، معاونت فرماندهی محور در جبهه شوش و دشت عباس را به عهده گرفتم. این عملیات از نظر بازدهی برای من بسیار شیرین و خاطره‌انگیز است زیرا با اینکه از نظر سلاح بسیار در مضیقه بودیم اما به همت رزمندگان اسلام توانستیم حدود

سه هزار عراقی را به اسارت در آوریم». بعد از عملیات رمضان، تیپ ثارالله به نفت شهر رفت؛ در آنجا عملیاتی انجام نشد. مهر سال ۱۳۶۱ در گیلان غرب بنا به تدبیر اداره کنندگان جنگ، تیپ ثارالله به لشکر تبدیل شد. «قاسم سلیمانی» تا پایان جنگ فرمانده لشکر بود و توانست عملیات‌های موفق و بزرگی همچون «الفجر ۸» و «کربلای ۵» را به سرانجام برساند. «سلیمانی» به شدت تحت تأثیر شهادت هم‌زمانش قرار گرفته و این اتفاق را سخت‌ترین لحظه برای خود می‌دانست؛ وی در توصیف این امر بیان می‌کند: «سخت‌ترین لحظه‌ها برای کسانی که مسئولیتی در جنگ داشتند لحظه‌ای بود که هم‌زمان یا دوستان آنان به شهادت می‌رسیدند و این امر وقتی شدت بیشتری می‌یافت که آن شهید به عنوانی پایه و ستونی برای جنگ مطرح بود. بعضی مواقع، شهادت یکی از فرماندهان به اندازه شهادت یک گردان در من اثر می‌گذاشت؛ شهید حاج یونس زنگی آبادی از این گونه افراد بود که امید لشکر ثارالله محسوب می‌شد. او همیشه مشتاق سخت‌ترین کارها در جبهه بود». بعد از جنگ، «سلیمانی فرمانده سپاه هفتم صاحب‌الزمان (عج) و سپس مجدداً فرمانده لشکر مکانیزه ۴۱ ثارالله شد. این لشکر به فرماندهی سلیمانی درگیر جنگ با اشرازی شد که از مرزهای شرقی کشور هدایت می‌شدند. در سال ۱۳۷۹ امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سلیمانی را به تهران فراخواند و مسئولیت نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به او سپرد (اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۸: ۱۲-۱۴). این مسئولیت تا ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ - روز شهادتش - و درحالی‌که «۶۳ سال سن داشت» ادامه پیدا کرد. در طول پیش از دو دهه حضور آن شهید در «سپاه قدس»، خدمات مخلصانه و بی‌بدیلی از خود به یادگار گذاشت که برجیده شدن سیطره «شجره خبیثه داعش» در منطقه یکی از آنان می‌باشد.^۱ امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) درباره استمرار استفاده از آن شهید والامقام می‌فرماید: بعضی‌ها تا سنین بالا هم به یک معنا جوان‌اند؛ حالا همین شهید عزیزی که شما از او اسم بردید - شهید سلیمانی که بنده شب و روز به یاد او هستم - شصت و چند سال سنش بود، ایشان که خیلی جوان نبود! اگر ده سال دیگر هم زنده می‌ماند و بنده زنده می‌ماندم و بنا بود که من

۱. سپهبد شهید قاسم سلیمانی در تاریخ ۱۳۹۶/۸/۳۰ این مهم را طی نامه‌ای به محضر امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) اعلام و معظم له در همان تاریخ، طی نامه‌ای سرگشاده پاسخ آن را دادند؛ جهت اطلاع به سایت www.khamenei.ir مراجعه نمایید.

مشخص بکنم، او را در همین جا نگه می‌داشتم؛ یعنی کنار نمی‌گذاشتم او را که جوان هم نبود (امام خامنه‌ای: ۱۳۹۹/۲/۲۸).

۲،۱،۱. محور مقاومت

«مِحْوَرُ مُقَاوَمَتٍ»، «جِبْهَةُ مُقَاوَمَتٍ» یا «خَطُّ مَقَاوَمَتٍ» عنوانی برای اشاره به ائتلاف منطقه‌ای «نانوشته» میان کشورهای و قدرت‌های عمدتاً شیعی مانند ایران، سوریه، عراق، حزب‌الله لبنان و گروه‌های نظامی مسلمان در فلسطین مانند جهاد اسلامی، حماس و انصارالله یمن بوده که هدف از آن مبارزه با رژیم صهیونیستی، پایان دادن به تسلط غرب در منطقه خاورمیانه و درنهایت آزادی فلسطین می‌باشد (بصیری و دیگران: ۱۳۹۶).

محور مقاومت هیچ فرد، سازمان یا نظامی را هدف قرار نمی‌دهد مگر اینکه بخواهند از رژیم صهیونیستی، طرح صهیونیستی و طرح آمریکا در منطقه دفاع کنند؛ چراکه موضوع اساسی برای محور مقاومت و تمامی جنبش‌های مقاومت، قدس و آزادی فلسطین است (برگرفته از: نصرالله، ۱۳۹۵).

ترکیب «محور مقاومت» اولین بار در واکنش به سخنان «جرج دبلیو بوش»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا و معاونش، جان بولتن به کار برده شد. «بوش» در ۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ - چند ماه پس از اجرای سناریوی ۱۱ سپتامبر - در سخنرانی خود در کنگره آمریکا، سه کشور ایران، عراق و کره شمالی را «محور شرارت» خواند و پس از آن «جان بولتن» در ۶ مه ۲۰۰۲، در سخنرانی‌ای با موضوع «ورای محور شرارت»، کشورهای لیبی، سوریه و کوبا را نیز به آن سه کشور اضافه نمود. مجله لیبیایی الزحف الاخضر در پاسخ به این موضع‌گیری، کشورهای مذکور را نه «محور شرارت» بلکه «محور مقاومت» نامید که در برابر آمریکا قرار گرفته‌اند (کریمی، ۱۳۹۶). در مجموع این اصطلاح یا اصطلاحات مشابه از سوی شخصیت‌ها و مقامات مختلف سیاسی و دینی برای انتقال مفهوم و معنای عنوان شده در دفعات مختلف به‌کاررفته که اصلی‌ترین آنان در بیانات امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌باشد. بی‌تردید شکل‌گیری محور مقاومت با الهام از شعارهای انقلاب اسلامی ایران مبنی بر مقاومت در برابر قدرت‌های جهانی بوده و چنین تحلیل می‌شود (خسروشاهین، ۱۳۹۷/۱۰/۵).

در «محور مقاومت»، جمهوری اسلامی ایران محور اساسی و قلب این محور شمرده می‌شود و موقعیت مرکزی و حامی اساسی اعضای این محور اعم از کشورها، جنبش‌ها و مردمانشان به حساب می‌آید؛ علی‌رغم وجود تکثر در این محور و جبهه، مبانی مقاومت در بین آن اعضا یکی است؛ دیدگاه‌ها یکی است و این دیدگاه‌ها در ده‌ها سال گذشته تقویت شده است و پیروزی‌ها و دستاوردها، تجربه‌های بزرگی را به وجود آورده است. در این محور همکاری و هماهنگی‌ها وجود دارد و به همین دلیل است که شاهد انسجام بزرگی در تمامی مراحل محور مقاومت هستیم. این انسجام نتیجه ارتباطات، گفتگوها، تفاهمات و نشأت گرفتن از تلاش‌ها از میانی واحد است. تردیدی نیست که در محور مقاومت، امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نقش مرکزی و اساسی را دارد و این نکته‌ای است که همه آن‌ها را می‌پذیرند (برگرفته از: نصرالله، ۱۳۹۵).

۳،۱،۱. شهید و شهادت

«شهید» و «شهادت» دو روی یک مفهوم راهبردی هستند که در آموزه‌های اسلام و انقلاب از جایگاه، رتبه و ضرورتی بی‌نظیر برخوردار می‌باشند. پیامبر خدا (ص) فرمودند: «فوق کل بر، بر حتی یقتل الرجل فی سبیل‌الله»؛ «هر نیکویی و زیبایی و خیر، یک بالادستی دارد تا برسد به شهادت؛ بالای شهادت، هیچ ارزشی نیست» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰۰: ۱۰).

«هر کشته شدنی شهادت نیست. آن کشته شدنی که در راه خدا با اخلاص و رشادت و تلاش همراه باشد، اسمش شهادت در راه خداست. شهید آن کسی است که مجاهدت یعنی تلاش می‌کند و رشادت به خرج می‌دهد و برای خدا حرکت می‌کند؛ چون اگر رشادت به خرج ندهد، اصلاً در معرض شهادت قرار نمی‌گیرد» (امام‌خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۶/۲).

«شهید، جانش را داده و در مقابل آن، بهشت و رضای الهی را گرفته است که بالاترین دستاوردهاست. به شهادت در راه خدا، از این منظر نگاه کنیم. شهادت، مرگ انسان‌های زیرک و هوشیار است که نمی‌گذارند این جان، مفت از دستشان برود و در مقابل، چیزی عایدشان نشود. این جان، سرمایه اصلی ماست. مردن و شهادت، پیری و جوانی نمی‌فهمد. بسیاری هستند که در راه خدا هم کشته نمی‌شوند؛ اما در جوانی می‌میرند. چقدر جوانان هستند که می‌میرند و در حقیقت جانشان از دست رفته است. اگر در راه خدا حرکت نکنند، اگر مسیر آن‌ها الهی نباشد و مرگشان در

راه خدا و هجرت و جهاد فی سبیل الله نباشد، متاع عمر- که بسیار عزیز است- از دستشان خواهد رفت و در مقابلش، چیزی عایدشان نمی‌شود. البته، اگر بازماندگان آن‌ها صبر کنند، خدای متعال به آن‌ها اجر خواهد داد؛ اما خود آن مرده، در مقابل جانش که از او گرفته شده است، چیزی به دست نخواهد آورد. بسیاری هم هستند که در سنین غیر جوانی یا بعد از جوانی، در راه خدا شهید شدند- مثل شهدای محراب و عزیزانی که در جبهه شهید شده‌اند- این‌ها هم کسانی هستند که جانشان را فروخته‌اند. شهادت برای هر انسانی چنین امتیازی است. واقعاً اگر خدای متعال این دعا را از کسی قبول کند که مرگ او را در شهادت قرار دهد، بزرگ‌ترین امتیاز را به یک انسان داده است و در مقابل سرمایه‌ای که از بین می‌رفت و هدر می‌شد، بهشت و رضایت خود را قرار داده است. چرا شهادت این قدر با عظمت و اهمیت است؟ علت این است که انسانی که جان خود را در راه خدا می‌دهد، در حقیقت در یک لحظه نیاز و در آن وقتی که دین و راه خدا به کسانی که آن را رونق دهند، احتیاج دارد، آن تلاش لازم را انجام داده است. کسی که در راه خدا تلاش می‌کند و از راحتی و زن و بچه و آسایش معمولی و امتیازهای مادی صرف نظر می‌کند، پاداش الهی را- که همان شهادت است- به دنبال دارد. این نشان‌دهنده عظمت مجاهدت اوست. لذا مکرر گفته‌ام که شهادت بالاترین پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله است. در اینجا، دو نکته قابل بیان است که مطرح می‌کنیم:

نکته اول، تأثیر شهادت‌ها در تقویت نظام اسلامی است. شما برادران و خواهران می‌دانید که ابهت و اقتدار معنوی امروز نظام اسلامی و ملت مسلمان در دنیا و در چشم قدرت‌های شیطانی، ناشی از همین شهادت‌ها و کاری است که عزیزان شما کردند. فرزندان شهدا بدانند که پدران آن‌ها موجب شدند که اسلام، در چشم شیطان‌ها و طاغوت‌های عالم، ابهت پیدا کند. روزی بود که به اسلام و جامعه مسلمین، اصلاً اعتنایی نمی‌کردند و کمترین محلی نمی‌گذاشتند و آنان را صاحب‌فکر نمی‌دانستند؛ اما امروز دریافته‌اند که اسلام، کاخ‌های اقتدار شیطانی آنان را در سراسر دنیا لرزانده است. امام بزرگوار که نام و یاد او، دل قدرت‌های طاغوتی را آب می‌کرد و کاخ‌های آنان را تکان می‌داد، عظمت خود را از اسلام گرفت. عظمت او، به خاطر این بود که خود را خادم اسلام و مسلمین می‌دانست و مجاهدت او و ملتش، به اسلام عظمت بخشید. امروز، به فضل همین شهادت‌ها و به برکت خون شهدا، ملت ما، ملت سربلند و آبرومندی است و ملت‌ها آبرو و عزت را

این گونه باید پیدا کنند. قدرت‌های استکباری، برای ملت‌های کشورهای امثال ما- کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای مستضعف- حق حیات و حق رأی و نظر قائل نیستند؛ حتی حق استفاده از منابع ثروت خودشان را هم قائل نیستند. با قدرت‌های شیطانی، از سر ضعف و ذلت نمی‌شود وارد شد؛ چون به ضعیف رحم نمی‌کنند. باید هر ملتی خود را قوی کند و قدرت حقیقی خودش را پیدا نماید و این، جز به برکت اعتقاد و عمل در راه آن اعتقاد تا سرحد مجاهدت و شهادت، امکان‌پذیر نیست. این، کاری است که ملت و شهدای ما انجام دادند و دنیای استکبار و دولت‌های متکبر را- نه انسان‌ها و ملت‌ها، چون آن‌ها با ما همراه‌اند- وادار به پذیرش و تحمل اسلام و جمهوری اسلامی کردند. البته، از توطئه و اعمال دشمنی و مکر غافل نیستند. شما هم غافل نباشید. امروز، مهم‌ترین شگرد دشمنی استکبار جهانی، در کیفیت تبلیغات اوست. به اعتقاد من، امروز یکایک طراحان سیاسی و تبلیغاتی دشمن، درباره کشور و مردم و دولت و مسئولان ما، فکر می‌کنند و چگونگی تبلیغات را نسبت به این مجموعه انتخاب می‌کنند و خبرگزاری‌های وابسته به استکبار و صهیونیسم بین‌المللی نیز، در باب کشور ما با همان شیوه‌ها عمل می‌کنند. تبلیغات امروز خبرگزاری‌ها و رادیوها درباره ملت و امام و مسئولان و آینده کشور، همه محاسبه شده است. ما امروز، با ترفندهای تبلیغاتی مواجه هستیم. ملت باید در مقابل تبلیغات دشمن، خیلی هوشیار باشد.» «نکته دوم این است که بازماندگان شهدا باید به شهدا افتخار کنند؛ ولی به این کار اکتفا نکنند. باید راه شهدا را که راه دین و فداکاری برای اسلام و سربازی برای انقلاب و تقویت نظام اسلامی بود، دنبال کنید. بازماندگان شهدا، باید احترام به اسلام و استحکام بخشیدن به نظام و سربازی انقلاب را، بیشتر از بقیه مردم شعار خود قرار بدهند و در این راه حرکت کنند. بعضی خیال می‌کنند چون خانواده‌های شهدا مورد احترام و عطف دستگاه‌های دولتی و مردم هستند، دیگر وظیفه‌ای بر عهده ندارند و با دادن شهید، از آن‌ها سلب وظیفه شده است. این، اشتباه است. هر که برای این نظام بیشتر سرمایه‌گذاری کرده، بیشتر موظف به حفظ نظام است و هر که در شرکتی، سهم بیشتری داشته باشد، نسبت به منافع آن شرکت حساسیت بیشتری دارد. خانواده‌های شهدا چون با دادن عزیزشان، سرمایه‌گذاری بیشتری برای بقای نظام کرده‌اند، باید بیش از تمام مردم برای حفظ نظام اسلامی و حیثیت آن حساس باشند؛ که بحمدالله این گونه هم هست و خوشبختانه

بازماندگان شهدای ما به نحوی هستند که إن شاء الله کارشان موجب رضای روح مطهر شهدای ماست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۵/۲۵).

«علت اینکه مقام شهادت، این قدر بالا و والاست، همین است که شهید در واقع همه زندگی خودش را به او می‌دهد؛ برای آن هدف و مقصودی که خدای متعال، آفرینش انسان را برای آن انجام داده است؛ یعنی اقامه عدل، اقامه زندگی سعادت‌مندان برای انسان‌ها، نزدیک شدن انسان‌ها به خدا و اقامه احکام الهی در جامعه. هدف‌ها این‌هاست دیگر؛ حیات طیبه! کسی که در راه خدا شهید می‌شود، به این معناست که در این راه، مجاهدت و تلاش کرده و سرانجام در این راه، جان خودش را از دست داده است. البته چنانچه در این راه، به مرگ طبیعی هم بمیرد، آن‌هم خیلی ارزش دارد؛ ولی اگر در این راه کشته شود یعنی همان شهادت طبعاً ارزش بسیار والاتر و بیشتری دارد. لذاست که این مقامش بالاست؛ به خاطر اینکه همه زندگی را یکجا تقدیم این راه کرده است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴).

۴,۱,۱. پاسدار و پاسداری

«پاسدار» از جمله مفاهیم پرکار در ادبیات انقلاب اسلامی است که به‌وفور از سوی امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مورد استفاده، توصیف و تبیین قرار گرفته است. از نگاه معظم له «پاسدار» عنوان افتخارآمیزی است که موصوف الیه آن وظیفه نگهباناری و مراقبت از آن را دارد که خود این امر را نیز مطابق با رسالت انقلابی فرد می‌داند و نگرانی خود را در این باب چنین عنوان می‌دارند که: «بد است که ما با نام پاسدار، کسی را داشته باشیم که آنچه در ذهنش نمی‌گذرد، پاسداری از اسلام باشد و برایش مسائل شخصی و خودی مطرح باشد. این‌ها ارزشی ندارد. این‌طور آدمی، اصلاً نبودنش بهتر از بودن است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰).

«پاسداری، آن‌وقتی است که دشمن وجود دارد. این دو دشمن، دشمن خارجی و آفت اضمحلال درونی امروز هم وجود دارد و شما پاسدارید. مبادا گمان شود که دشمن در خواب است! مبادا گمان شود که دشمن از دشمنی منصرف است! چنین چیزی ممکن نیست» (همان).

«اصل و بُب قضیه هم در عنوان پاسداری، این است که انسان حاضر باشد برای حراست از این انقلاب و از این نظام، از خود بگذرد. از خود گذشتن، کلمه سهل و ممتنعی است. بعضی

می‌گویند: ما که حاضریم در گرماگرم جبهه جنگ برویم بجنگیم و کشته بشویم. می‌گویند این، از خود گذشتن است؛ لیکن این‌طور نیست. از خود گذشتن، اولاً خیلی مشکل‌تر از این حرف‌هاست؛ ثانیاً از همین الآن و از همین لحظه شروع می‌شود. از خودگذشتگی، از همین احساسی که در ذهن من و شماست، شروع می‌شود تا به آنجایی می‌رسد که انسان در میدان جنگ بتواند از جان خود هم بگذرد. قدم اول، گذشتن از یک چیز کمتر از جان، از یک چیز کوچک، از یک نام، از یک نشان، از یک احترام، از یک ارزش مادی، از یک خانه خوب، از یک ماشین، از یک پول است. اگر توانستیم از این‌ها بگذریم، از جان هم راحت می‌توانیم بگذریم. این‌طور نیست که کسی دربند غرایز خود چه غریزه شهوانی و چه غرایز دیگر زندگی، که انسان را مثل پر کاهی به این‌طرف و آن‌طرف می‌کشاند اسیر باشد، بعد با خودش فکر کند و بگوید، ما که حاضریم جانمان را در راه خدا بدهیم! این‌طوری نیست؛ خیال می‌کنیم. تصادفاً ممکن است در خیابان که راه می‌رویم، حادثه‌ای پیش بیاید، یا ماشینی به ما بزند، یا بمبی جلوی پای ما منفجر بشود؛ اسمش هم در عرف معمولی، شهید خواهد بود اگر این کار، به وسیله دشمن انجام بگیرد اما این، غیر از آن فداکاری است. این شهید، با آن شهیدی که از جوانی و لذات و زن و زندگی و فرزند و پدر و مادر و آب سرد تابستان و کرسی گرم زمستانش می‌گذشت و در برف‌ها روی کوه‌های «گردرش»، یا در گرماهای جنوب خوزستان، زمستان و تابستان را می‌گذرانید و به استقبال مرگ که در هر قدمی، زیر پا و سر راه او کمین کرده بود می‌رفت و بالاخره هم به شهادت می‌رسید، خیلی تفاوت دارد. آن فداکاری، چیزی است که به تمرین و نگاه‌داشتن احتیاج دارد. این هم نکته دیگری است که جوانان باید بدانند. بعضی‌ها با زحمت و همت و اراده و ایمان و توکل، از قله فداکاری هم بالا می‌روند، اما بعد هم از قله پایین می‌آیند؛ تمام شد! وقتی که از قله فرود آمدیم، آمده‌ایم و دیگر در قله نیستیم. نمی‌شود گفت که یک روز ما فداکار بودیم، امروز هم می‌خواهیم نانش را بخوریم! اینجا که انسان بخواند نان چیزی را که در راه خدا انجام داده، بخورد، دیگر قله نیست؛ اینجا ته دره است، اینجا آغوش گرم نفس است که انسان را به آغوش داغ جهنم می‌برد، اینجا دستخوش هوی و هوس قرار گرفتن است؛ نه پرواز کردن در هوای معنویات و ارزش‌های والا. باید در قله بمانید. راه اسلام و راه معنویت، این‌طوری است. البته انسان، پایین و بالا رفتن و قبض و بسط دارد و همه‌طور موانع در سر راه انسان هست. این‌گونه نیست که بگوییم و متوقع

باشیم که انسان‌های خوب، به‌طور دائم در راه خوبی حرکت کنند. بالاخره تعمدی هست، ترددی هست، نُکسی هست؛ اما برآیند مجموع، باید پیشرفت باشد؛ جمع‌بندی‌شده این آم‌دورفت‌ها، باید حرکت به سمت جلو باشد. آن وقت است که عنوان پاسداری، روی انسان می‌ماند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۲۹).

پرواضح است که در این میان از « پاسدار » و جایگاه « پاسداری » مطالبات و انتظاراتی نیز وجود دارد که برخی از مهم‌ترین آنان -از باب نمونه- از قرار زیر می‌باشد:

✓ اصلی و فرعی کردن مسائل و محور قرار دادن امر پاسداری در میان سایر موارد «باید مسائل انقلاب اسلامی همان چیزی که شما می‌گویید پاسدار آن هستیم محور باشد. اصل قضیه، این است. هر جا هستید، سعی کنید که این طور باشید» (همان).

✓ دعوت از دیگران در امر پاسداری
ساحت دیگری از مطالبه رهبری از مخاطبین مفهوم « پاسدار » این است که در عین مراقبت از خود و وظایف پاسداری خود لکن به این حد قانع نباشند و دیگران را نیز به این امر دعوت و در این معرکه و عرصه وارد نمایند: «سعی کنید که دیگران را هم پاسدار کنید. سعی کنید که روحیه پاسداری را در دیگران هم بدمید. من همیشه قبل از انقلاب در دوران اختناق، برای جوانان مثال می‌زدم و می‌گفتم، در یک خرمن ذغال، مثل گل آتش باشید. مگر دوروبر خودش را رها می‌کند؟ مگر به اینکه من روشنم، اکتفا می‌کند؟ نخیر، تمام این خرمن را به یک گل آتش تبدیل می‌کند. این طوری باشید. آن روز، کمبودمان این بود. می‌گفتم، متأسفانه باد ملایم مناسبی که بوزد و تسریع کند، نیست؛ اما امروز که هست. امروز نسیم جان‌بخش اسلام و کلمات آن مفسر اسلام و آن حکیم عالی‌قدر و عظیم‌الشأن و آن مرد خدا و بنده خدا که از همه عنوان‌ها بالاتر است در اختیار ماست. این خرمن آتش را باید به وجود بیاورید و روشن کنید و با اخلاق و عملتان، همه را منور و گرم نمایید» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۰/۱۰).

✓ عدم غفلت از نقش و جایگاه پاسدار و پاسداری
«هرکس که امروز به نحوی از ارزش‌های اسلامی پاسداری می‌کند و آن را نگه می‌دارد، خوب است به یاد داشته باشد که اگر روزی جوانان پاسدار ما نبودند و این مولود و نهال تازه را از تهاجم دشمنان حراست نمی‌کردند، چیزی باقی نمی‌ماند تا عالمش درباره مسائل علمی آن، مهندسش

درباره مسائل مهندسی آن، پزشکش درباره مسائل دیگر آن و بقیه خدمتگزارانش هر کدام در حیطة کار خود، به آن خدمت کنند. در لحظه‌های اول، باید دلسوزترین انسان‌ها، از یک مولود و یک نهال تازه نگهداری کنند؛ کار هرکس نیست. این است که عنوان پاسدار، یادآور آن لحظه‌ها می‌باشد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۲۹).

✓ جلب و حفظ صلاحیت و معنویت

«صلاحیت‌های خودتان را حفظ کنید و بنیه معنوی خودتان را از همه چیز عزیزتر بدانید. نمی‌گویم در مورد نیازهای زندگی، دلتان هیچ‌گونه درخواست و خواهشی نداشته باشد؛ نه. شما که فرشته نیستید. بشر، نیازهایی دارد؛ اما عرض می‌کنم: آنجایی که معارضه پیش می‌آید، آرمان‌ها را مقدم بدانید. نیازها، همه زندگی نشود. نیازها، تعیین‌کننده در رفتار نشود. تعیین‌کننده در رفتار، آن مجاهدتی باشد که امروز بر دوش شماست.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۰۳).

✓ پیمان با خدا و قدم گذاشتن در راه امام حسین (ع)

«این روز شریف و عید سعید را به همه ملت ایران، به همه آزادگان عالم، بخصوص به عزیزان پاسدار که رسماً و صریحاً در راه حسین بن علی (ع) قدم گذاشته‌اند و با جان خود با خدای بزرگ پیمان بسته‌اند و در طول سال‌های دشوار انقلاب بر سر این پیمان ایستاده‌اند، صمیمانه تبریک عرض می‌کنم» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۹/۱۳).

در گفت‌وگو با امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بالاتر از واژه و جایگاه پاسدار، معنا و مفهوم «پاسداری» است که چونان یک فرهنگ خودنمایی می‌کند؛ بر این اساس عنوان می‌دارد: «مهم‌تر از نام پاسدار، عنوان واقعی و زوی و روحیه پاسداری است» (۱۳۶۹/۱۰/۱۰).

۲.۱. مبانی نظری

۱،۲،۱. حاج قاسم سلیمانی از منظر سید حسن نصرالله

از آنجا آرمان سپاه قدس، آزادی قدس شریف و رفع اشغالگری از سرزمین‌های فلسطین می‌باشد؛ بنابراین حاج قاسم سلیمانی بیشترین و عمیق‌ترین ارتباط از حیث کاری و حتی عاطفی با رهبر حزب‌الله لبنان یعنی سید حسن نصرالله داشته است. بیان برخی از ویژگی‌های آن شهید از سوی وی در شناخت و تحلیل شخصیت حاج قاسم سلیمانی راهگشا می‌باشد؛ براین اساس در اینجا

به بخش کوچکی از دیدگاه‌های وی در خصوص شهید سلیمانی پرداخته می‌شود:

«از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی بر من در زندگی‌ام - که البته نعمت‌هایش همه بزرگ و عظیم‌اند - آشنایی‌ام با حاج قاسم سلیمانی است و این برادری و رفاقتی که بین ما به وجود آمد؛ ما در دوستی، محبت، عاطفه، راستی و هم‌فکری مثل دو برادر واقعی بودیم؛ یعنی حتی در ۹۸ درصد امور مثل هم‌فکر می‌کردیم؛ این برای اینکه نگفته باشم ۱۰۰ درصد؛ ولی در آن ۲ درصد هم که ممکن بود اختلاف‌نظر داشته باشیم به دلیل اعتماد و محبتی که بینمان وجود داشت، یکی‌مان به‌راحتی می‌توانست دیگری را قانع کند. طبیعتاً از نظر شخصی، من با وجود حاجی احساس می‌کردم یک پشتیبان قوی دارم؛ چون اینجا یکی از صحنه‌های رویارویی و چالش بود؛ همدم من او بود و همدم او من؛ می‌توانم به شما و بینندگان بگویم که در طول بیست سال گذشته و مخصوصاً در این ده سال اخیر یا بیش‌تر، او از اشخاص بسیار نادری است که اگر بخواهم از برادر عزیزی سخن بگویم که بسیار دوستش داشتم و در قلبم جایگاه خاصی داشت و بسیار هم‌دل بودیم و به او بسیار اطمینان داشتم و به او بسیار پناه می‌بردم، او حاج قاسم سلیمانی بود؛ معمولاً در زندگی هر کس ممکن است یک یا دو یا سه نفر این‌چنین وجود داشته باشند؛ یکی از این‌ها حاج قاسم سلیمانی رحمت‌الله علیه بود. خودش هم این را می‌دانست، چون من روزی این را به خودش هم گفتم. من همیشه حاضر بودم جانم را فدایش کنم. یک روز من مشغول نماز بودم، بعد از پایان نماز و موقع تعقیبات، این چیزی که می‌گویم به ذهنم رسید: اینکه ملک‌الموت - البته به فرض - پیش من آمده و می‌گوید من دارم به ایران می‌روم تا جان قاسم سلیمانی را بگیرم ولی خداوند متعال، استثنایی قائل شده و گفته برو سراغ فلانی و بگو گزینه دیگری برای به تأخیر انداختن قبض روح قاسم سلیمانی هست و آن این است که جان تو را بگیرم؛ من دراثنای این فرضیات داشتم با خودم فکر می‌کردم که به ملک‌الموت چه می‌گویم! قطعاً به او خواهم گفت: جان من را بگیر و او را رها کن؛ حاج قاسم سلیمانی را رها کن؛ بعدها یک‌بار که داشتیم با برخی برادران بحث می‌کردیم و گاهی در نتیجه کثرت کار، مشکلاتی با برادران پیش می‌آمد من به آن‌ها گفتم حاج قاسم برای من چنین جایگاهی دارد؛ یکی از برادران از من پرسید تو چرا این‌طوری فکری می‌کنی؟ گفتم به دو دلیل؛ اولاً دوستی، عشق، برادری و عاطفه‌ای که بین من و او وجود دارد و ثانیاً چون از طرف دیگر معتقدم وجود او به اسلام و مسلمین و امت و مقاومت خدمت بسیار بیش‌تری می‌کند تا

وجود من؛ از این رو موضوع فقط عاطفه صرف نیست بلکه من به این مرد و وجود مبارکش در این سطح باور دارم؛ او شخصاً چنین جایی در دل من داشت» (نصرالله، ۱۳۹۸/۱۱/۲۴). سید حسن نصرالله اوصافی را برای حاج قاسم برمی شمرد که مهم ترین آنان از قرار زیر است:

- بهره‌مندی از شخصیتی جامع؛
- خستگی‌ناپذیری؛
- قدرت بالا در تحمل سختی‌ها و صبر؛
- پرکار بودن؛
- برقراری روابط «برادری» به جای «اداری» بین سایر اعضا و مرتب‌ترین؛
- حضور مستقیم و مستمر در صحنه نبرد؛
- شهادت طلب بودن (نصرالله، ۱۳۹۸/۱۱/۲۴).

۱،۲،۲. شهید سلیمانی در نظر بیگانگان

شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی از جمله افرادی است که نزد دشمنان انقلاب و بیگانگان نیز بسیار شناخته شده بود و به همین دلیل در خصوص وی، نظر و نگرش‌های مختلف و بسیار مهمی وجود دارد. بر این اساس بخشی از مبانی نظری این مقاله به این موضوع - که در فهم جایگاه شهید والامقام در منطقه و پیامدهای شهادت آن بسیار حائز اهمیت است - اختصاص داده می‌شود.

جدول شماره ۲: حاج قاسم در بیان بیگانگان

ردیف	مرجع صادرکننده	سمت	متن منتخب	توضیحات	منبع
۱	ژنرال پترائوس	رئیس سابق ستاد مشترک ارتش آمریکا و مدیرکل سابق سیا	قاسم سلیمانی فردی بسیار توانمند و مدبر و دشمنی شایسته است. وی بازی خود را به خوبی انجام می‌دهد اما این بازی طولانی است؛ پس اجازه دهید ببینیم حوادث چگونه به پیش می‌رود.		(مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۲/۲۴)
۲	باراک اوباما	رئیس‌جمهور سابق آمریکا	او دشمن من است ولی من برای او احترام ویژه‌ای قائل هستم.	۲۰۱۴	(مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۲/۲۴)
۳	جان کری	وزیر خارجه سابق آمریکا	برای یکبار هم شده مایلیم قاسم سلیمانی را از نزدیک ببینم.		(مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۲/۲۴)

۴	جان ماگویر	افسر سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا	سردار سلیمانی قدرتمندترین عامل در خاورمیانه است که کمتر کسی چیزی درباره او شنیده است.	۱۳۹۲	(همشهری آنلاین، ۱۳۹۸/۱۱/۱۰)
۵	زلمای خلیل زاده	سفیر سابق آمریکا در افغانستان	همان قدر که مقامات آمریکایی، سلیمانی را به جنگ‌افروزی متهم می‌کنند، او در ایجاد صلح نیز برای رسیدن به اهدافش فعال بوده است. او در پایان دادن به درگیری‌های نیروهای مقتدی صدر و نیروهای عراقی در بصره، نقشی حیاتی داشت؛ تهدیدی که می‌رفت ناآرامی‌های آن گسترش یافته و پیامدهای وخیمی به‌ویژه برای منابع نفتی عراق در پی داشته باشد... وی مغز متفکر ایران است.		(فاش نیوز، ۱۳۹۸/۱۱/۱۵)
۶	روزنامه لوموند		قاسم سلیمانی، قوی‌ترین مرد خاورمیانه و چه گواری ایران است.	۲۰۱۷	(روزنامه لوموند به نقل از مشرق نیوز، ۱۳۹۶/۲/۲۴)
۷	روزنامه همشهری	معاون نیروی عملیات ویژه ارتش آمریکا	مدتی بود که مترصد فرصتی بودم که به یک ایرانی وفادار به کشورش بگویم که ما ژنرال‌های آمریکا، احترام خاصی برای ژنرال سلیمانی شما قائل هستیم. او دشمن ماست اما ویژگی‌های نظامی او در استراتژی و تاکتیک، باعث شده که به عنوان یک نظامی برای او احترام قائل باشیم.		(روزنامه همشهری، ۱۳۹۹/۱۰/۱۳)
۸	روزنامه همشهری	ژنرال ارشد نظامی آمریکایی	ما نمی‌توانیم بفهمیم چگونه یک نظامی شما مثل قاسم سلیمانی می‌تواند بدون تحصیلات تخصصی نظامی، مبتکر استراتژی‌ها و تاکتیک‌های نظامی باشد که برجسته‌ترین ژنرال‌های نظامی آمریکا را هم گیج کند. ژنرال سلیمانی شما یک پدیده است. او دشمن اول آمریکا در منطقه خاورمیانه است اما در نیروهای مسلح آمریکا، بسیاری برای او به عنوان یک نظامی خارق‌العاده و حرفه‌ای احترام قائل هستند.		(روزنامه همشهری، ۱۳۹۹/۱۰/۱۳)

در بررسی منابع مختلف مشخص شد، از این نوع متن‌ها، سخنرانی‌ها، اظهارنظرها در خصوص شهید سلیمانی از سوی بیگانگان بسیار است؛ براین اساس در اینجا صرفاً به چند مورد از آنان بسنده می‌شود و در مجموع نتایج زیر به دست می‌آید:

- ✓ «سردار سلیمانی» فردی قدرتمند، تأثیرگذار و ترسناک از سوی آنان قلمداد می‌شود؛
- ✓ «شهید سلیمانی» دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که خود را مجبور به اعتراف و احترام به آن می‌دانند؛
- ✓ «سلیمانی» دشمنی سرسخت، پیچیده و باهوش برای آنان بوده که کاملاً به کشورش وفادار می‌باشد؛

می‌توان به صراحت به این موضوع اشاره نمود که اساساً مبتنی بر این نتایج و نتایج مشابه است که دشمن - علی‌رغم شناخت نسبی از پیامدهای منفی حذف ایشان - گزینه‌ای جز به شهادت رساندن او و تحمل هزینه‌های سنگین آن نمی‌یابد و در نهایت مبادرت به چنین اقدامی در راستای حفظ و تأمین منافعشان می‌کند.

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر «ماهیت» جزو پژوهش‌های «توصیفی» بوده و از آنجاکه به مطالعه شرایط و وضعیت پدیده‌ای مشخص (ویژگی‌ها و شاخص‌های حاج قاسم سلیمانی) می‌پردازد از نظر «هدف» جزو پژوهش‌های «کاربردی» است و از آنجاکه فرآورده آن می‌تواند زیربنایی برای بازنگری و اصلاح در فرآیند جذب، نگهداری و ارزیابی نظام پاسدار و پاسداری باشد می‌توان آن را از جمله پژوهش‌های «آینده‌پژوهانه» نیز دانست؛ بنابراین می‌بایست چنین عنوان نمود که این پژوهش از منظر «هدف» ترکیبی از «کاربردی و بنیادین» می‌باشد.

راهبرد پژوهشی ما در این مقاله - از آنجاکه واحد سنجش، بررسی و مطالعه، مصاحبه‌ها و مکتوبات موجود و در دسترس می‌باشد - «اسنادی» به حساب می‌آید.

داده‌های مورد نیاز در این پژوهش به روش «کتابخانه‌ای» با ابزار فیش برداری و بر اساس منطق روش تحلیل مضمون گردآوری و دسته‌بندی شده است، لکن از آنجاکه در پژوهش‌های پیشین، برخی داده‌ها به روش پیمایش با ابزار مصاحبه نیز به دست آمده، ماهیتاً می‌توان داده‌ها را کیفی و

کمی و یا به عبارتی ترکیبی دانست.

در نهایت داده‌های به دست آمده - که مجموعه‌ای از داده‌های «کمی و کیفی» هستند- با بهره‌گیری از روش‌های «ترکیبی» مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. داده‌های کیفی موجود با بهره‌گیری از منطق «برهان» و روش «تحلیل محتوا» و در سطح نهایی به روش دلفی مورد تجزیه و تحلیل و تأیید قرار گرفته و در آخر نتایج در قالب گزاره‌های «خبری و تحلیلی» ارائه شده است.

«فلوچارت» مراحل اجرایی کار در این مقاله از قرار زیر می‌باشد:



نمودار ۱: مراحل اجرایی پژوهش

۳. یافته‌های پژوهش

سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی از جمله افرادی است که نزد امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) دارای جایگاه و منزلتی ویژه و خاص بوده است؛ بر همین اساس بارها و بارها به دلایل و مناسبت‌های مختلف، معظم‌له از وی یاد و ذکری داشته است. لازم است در اینجا برخی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها و نظرات امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص آن شهید بزرگوار آورده شود. جهت پرهیز از مطول شدن، موارد به صورت جمع‌بندی و دسته‌بندی شده -به ترتیب تاریخ- در قالب جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول شماره ۳: حاج قاسم سلیمانی در کلام رهبری

ردیف	متن	تاریخ	مفاهیم کلیدی
۱	خود شما هم که آقای سلیمانی باشید، در نظر ما شهید زنده‌اید.	۱۳۷۶/۵/۱۳	بهره‌مندی از زیست شهدا
۲	زحمات و خدمات ارزشمند سردار سلیمانی به اسلام و مسلمین، بی‌شک ذخیره ارزشمندی در دیوان عدل الهی است.	۱۳۹۲/۶/۱۹	ذخیره‌ای ارزشمند برای خدماتش داشت
۳	شما با متلاشی ساختن توده سرطانی و مهلک داعش، نه فقط به کشورهای منطقه و به جهان اسلام بلکه به همه ملت‌ها و به بشریت خدمتی بزرگ کردید.	۱۳۹۶/۸/۳۰	عامل نابودی داعش خدماتی بزرگ برای اسلام و بشریت داشت
۴	برادر بسیار عزیزمان آقای سلیمانی بارها، بارها، بارها جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار داده‌اند، در راه خدا، برای خدا و مخلصاً لِّله؛ و مجاهدت کرده‌اند. ان‌شاءالله خدای متعال زندگی ایشان را با سعادت و عاقبت ایشان را با شهادت قرار بدهد.	۱۳۹۷/۱۲/۱۹	اهل خطر بود برای خدا حرکت می‌کرد دعای سعادت و شهادت امام
۵	سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشراک عالم و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت.	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	بهره‌مندی از مجاهدت مطول مخلصانه و شجاعانه به دست شقی‌ترین زمان به شهادت رسید همیشه آرزوی شهادت داشت مبارزه مخلصانه و شجاعانه او را به مقام والا رسانده بود
۶	سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود.	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	نمونه برجسته از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود همه عمر در راه جهاد بود شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او بود
۷	با رفتن سردار شهید قاسم سلیمانی به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد، ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او آلودند.	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	انتقام سخت در انتظار جنایتکاران است کار او راه او متوقف نخواهد شد
۸	شهید سلیمانی چهره بین‌المللی مقاومت است و همه دل‌بستگان مقاومت خونخواه اویند.	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	چهره بین‌المللی مقاومت اهل مقاومت خون‌خواه او خواهند بود
۹	جهاد سردار شهید قاسم سلیمانی جهاد بزرگی بود و خداوند نیز شهادت او را شهادت بزرگی قرار داد. حاج قاسم باید همین‌جور به شهادت می‌رسید. خوشا به حال حاج قاسم که به آرزوی رسید، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می‌ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود.	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	شهادت بزرگ در مقابل جهاد بزرگ رقم می‌خورد داغدار رفقای شهیدش بود خوشا به حال او که به آرزوی رسید

مردم قدرشناس حاج قاسم هستند قدرشناسی از او ناشی از اخلاص او بود اخلاص بزرگی داشت مردم بزرگی بود	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	مردم قدر سردار شهید قاسم سلیمانی را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این که دل‌ها این‌جور همه متوجه می‌شوند، نشان‌دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت، مرد بزرگی بود.	۱۰
در راه خدا پروا بود؛ نه از دشمن، نه از حرف‌ها و نه از تحمل سختی‌ها	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	حاج قاسم صدبار در معرض شهادت قرار گرفته بود؛ این بار اوّل نبود، ولی در راه خدا و انجام وظیفه و جهاد فی سبیل الله از هیچ چیز پروا نداشت؛ نه از دشمن پروا داشت، نه از حرف این‌وآن پروا داشت، نه از تحمل زحمت پروا داشت.	۱۱
جهاد اکبر رمز پیروزی حاج قاسم بود	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	آن مردی که می‌رود جلوی دشمن و واهمه نمی‌کند و در همه میدان‌ها نه خستگی می‌فهمد، نه سرما می‌فهمد، نه گرما می‌فهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این‌جور نمی‌توانست جلوی دشمن برود.	۱۲
شهیدی است که مستقیماً به دست آمریکایی‌های خبیث به شهادت رسیده است	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	ما شهید زیاد داریم اما شهیدی که به دست خبیث‌ترین انسان‌های عالم یعنی خود آمریکایی‌ها به شهادت برسد چنین شهیدی غیر از حاج قاسم من کس دیگری را یادم نمی‌آید.	۱۳
فقدان او تلخ است با تحقق کامل اهدافش کام قاتلان تلخ‌تر خواهد شد	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است ولی ادامه مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد.	۱۴
اهل تدبیر و منطق و شجاعت در میدان نظامی و سیاست بود	۱۳۹۸/۱۰/۱۳	این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ هم باتدبیر بود؛ منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین‌جور بود.	۱۵
پس تحسین قلبی و زبانی، امام در مقابل دست آوردهای او تعظیم می‌کند	۱۳۹۸/۱۰/۱۸	پنده قلباً و زبناً او را تحسین می‌کردم اما امروز در مقابل آنچه او سرمنشأ آن شد و برای کشور بلکه برای منطقه به وجود آورد، در مقابل او من تعظیم می‌کنم.	۱۶
در عین جنگاوری لکن حدود شرعی را کاملاً رعایت می‌کرد	۱۳۹۸/۱۰/۱۸	شهید سلیمانی یک فرمانده جنگاور مسلط بر عرصه نظامی بود، در عین حال به شدت مراقب حدود شرعی بود.	۱۷
در دل خطر حافظ جان دیگران بود	۱۳۹۸/۱۰/۱۸	مراقب بود که به کسی تعدی و ظلم نشود. به دهان خطر می‌رفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد.	۱۸
به‌شدت انقلابی بود حزبی نبود انقلابی خطر قرمز او بود	۱۳۹۸/۱۰/۱۸	در مسائل داخل کشور اهل حزب و جناح و مانند این‌ها نبود، لکن به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابی‌گری خط قرمز قطعی او بود؛ ذوب در انقلاب بود. پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان الله علیه) بود.	۱۹

دوفصلنامه علمی مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، سال چهارم، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

۲۰	به کمک ملت‌های منطقه یا با کمک‌هایی که به ملت‌های منطقه کرد، توانست همه نقشه‌های نامشروع آمریکا در منطقه غرب آسیا را خنثی کند.	۱۳۹۸ / ۱۰ / ۱۸	نقشه‌های آمریکا را با کمک ملت‌های منطقه خنثی کرد
۲۱	شهادت او، زنده‌بودن انقلاب در کشور ما را به رخ همه دنیا کشید.	۱۳۹۸ / ۱۰ / ۱۸	شهادتش زنده‌بودن انقلاب را به رخ دنیا کشید
۲۲	قیامتی به پا کرد. معنویت او، شهادت او را این‌جور برجسته کرد.	۱۳۹۸ / ۱۰ / ۱۸	معنویتش شهادتش را چنین رقم زد
۲۳	روزی که ده‌ها میلیون در ایران و صدها هزار در عراق و بعضی کشورهای دیگر به پاس خون فرمانده سپاه قدس به خیابان‌ها آمدند و بزرگ‌ترین بدرقه جهان را شکل دادند، یکی از ایام الله است.	۱۳۹۸ / ۱۰ / ۱۸	روز تشیّعش ایام‌الله بود
۲۴	آمریکایی‌ها کسی را که سرشناس‌ترین و قوی‌ترین فرمانده مبارزه با تروریسم بود ترور کردند!	۱۳۹۸ / ۱۰ / ۲۷	سرشناس‌ترین و قوی‌ترین فرمانده مبارزه با تروریسم بود
۲۵	در میدان رویه‌روی جنگ با او مواجه نشدند، دولت آمریکا دزدانه و بزدلانه او را ترور کرد؛ این کارمائه روسیاهی آمریکا شد!	۱۳۹۸ / ۱۰ / ۲۷	چگونگی به شهادت رساندن او مایه روسیاهی آمریکایی‌ها و نشان از بزدل بودن آنهاست
۲۶	حادثه یوم‌الله تشییع جنازه شهید و حادثه یوم‌الله در هم کوبیدن پایگاه آمریکایی از ذهن این مردم نخواهد رفت و روزبه‌روز ان‌شاءالله زنده‌تر خواهد شد.	۱۳۹۸ / ۱۰ / ۲۷	در هم کوبیدن عین الاسد یوم‌الله بود
۲۷	سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک‌راه، یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم.	۱۳۹۸ / ۱۰ / ۲۷	حاج قاسم یک مکتب درس آموز است
۲۸	امپراتوری خبری صهیونیسم در همه دنیا سعی کردند سردار بزرگوار عزیز ما را متهم کنند به تروریست؛ خدای متعال صفحه را درست به‌عکس آنچه آنها می‌خواستند ترتیب داد.	۱۳۹۸ / ۱۰ / ۲۷	دنبال تروریسم جلوه دادن حاج قاسم بودند که خدا نگذاشت
۲۹	این شهادت بزرگ یکی از آیات قدرت الهی است.	۱۳۹۸ / ۱۰ / ۲۷	شهادتش از جمله آیات الهی بود
۳۰	شخصیت‌های ایمانی وقتی که ایمان را با عمل صالح همراه کنند، وقتی حرکت جهادی بکنند، محصولش می‌شود شخصیتی مثل شهید سلیمانی که حتی دشمنانش او را تحسین می‌کنند!	۱۳۹۸ / ۱۱ / ۱۶	ایمان و عمل صالح همراه با حرکت جهادی می‌دهد حاج قاسم سلیمانی
۳۱	شهید سلیمانی به هر دو حسنین رسید؛ هم پیروز شد هم به شهادت رسید؛ یعنی خدای متعال کَلِمًا الْحُسْنٰی را به این شهید عزیز داد.	۱۳۹۸ / ۱۱ / ۲۹	به حسنین دست یافت (پیروزی و شهادت)
۳۲	پایه‌گذاری امثال قاسم سلیمانی‌ها در دوران دفاع مقدس گذاشته شد.	۱۳۹۸ / ۶ / ۳۱	دفاع مقدس معرکه پایه‌ریزی امثال حاج قاسم بود
۳۳	ایرانی‌ها به خودشان افتخار کنند که مردی از میان آنها از یک روستای دورافتاده برمی‌خیزد، تلاش و خودسازی می‌کند، به چهره درخشان و قهرمان امت اسلامی تبدیل می‌شود.	۱۳۹۹ / ۹ / ۲۶	حاج قاسم قهرمان امت اسلامی ست ایرانی‌ها از اینکه حاج قاسم از آنان بود به خود ببالند

۳۴	شهید سلیمانی قهرمان ملت ایران است، به خاطر اینکه ملت ایران داشته‌های فرهنگی و معنوی و انقلابی و ارزش‌های خودش را در او متبلور و مجسم دید.	۱۳۹۹/۹/۲۶	مجلسه داشته‌های فرهنگی، معنوی، انقلابی و ارزش‌های ایران بود قهرمان ملت ایران است
۳۵	این مسئله بروز یک جریان به‌ظاهر مذهبی متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه مقاومت را ایشان مدت‌ها قبل پیش‌بینی کرد. بعد از مدتی داعش به وجود آمد. آدم با درایت و باهوشی بود.	۱۳۹۹/۹/۲۶	اهل آینده‌نگری و پیش‌بینی بود و داعش را پیش‌بینی کرده بود با درایت و باهوش بود
۳۶	روحیه فداکاری و نوع‌دوستی داشت، یعنی برایش این ملت و آن ملت و مانند این‌ها مطرح نبود؛ نوع‌دوست بود، واقعاً حالت فداکاری برای همه داشت.	۱۳۹۹/۹/۲۶	فداکار و نوع‌دوست بود
۳۷	شهید سلیمانی اهل معنویت و اخلاص و آخرت جویی بود و اهل تظاهر نبود.	۱۳۹۹/۹/۲۶	اهل معنویت آخرت جوی بود و از تظاهر به دور
۳۸	شهید سلیمانی با حرکات خود و بالاخره با شهادت خود اسم رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد.	۱۳۹۹/۹/۲۶	رمز برانگیختگی و بسیج مقاومت در دنیای اسلام شد
۳۹	شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد.	۱۳۹۹/۹/۲۶	نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم داد
۴۰	قاتل سلیمانی و آمر به قتل سلیمانی باید انتقامشان را پس بدهند.	۱۳۹۹/۹/۲۶	قاتل و آمر انتقامش را پس خواهد داد
۴۱	شهید سلیمانی، هم در زمان زنده‌بودنش استکبار را شکست داد، هم با شهادتش شکست داد.	۱۳۹۹/۹/۲۶	چه در زمان حیات و چه پس‌از آن توانست استکبار را شکست دهد
۴۲	من یاد شهید سلیمانی عزیزمان را هرگز فراموش نمی‌کنم.	۱۳۹۹/۹/۲۶	شهید سلیمانی فراموش ناشدنی ست

نتیجه‌گیری

الف) پاسخ به سؤال پژوهش

سؤال مطرح شده در این پژوهش «چیستی شاخص‌های پاسدار تراز انقلاب مبتنی بر فرمایشات و دیدگاه‌های امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌باشد» که پاسخ به این سؤال از توصیفات معظم‌له در خصوص حاج قاسم سلیمانی از قرار زیر جمع‌بندی و احصاء شده است:

۱) معنویت، اخلاص و آخرت جویی

این ویژگی، مهم‌ترین شاخص در شخصیت حاج قاسم سلیمانی و به تبع آن، یک «پاسدار در تراز انقلاب» می‌باشد که تسامحاً در اینجا در یک واژه و آن هم «اخلاص» جمع‌بندی و تشریح می‌گردد؛ «اخلاص» یعنی: «خالص کردن و ناب کردن نیت؛ به دنبال ناب کردن نیت، خالص کردن و

ناب شدن عمل نیز می‌آید» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۱۸)؛ یعنی «رعایت کردن وظیفه خدایی و دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی و انگیزه‌های مادی در کار» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۹/۲)؛ همچنین در ادبیات امروزی از «اخلاص» تعبیر می‌کنیم به «گمنام» بودن؛ یعنی: دنبال نام و نشان نبودن (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۲). بر اساس این تعریف، انسانی که اخلاص دارد، برای او «هدف مهم است، «شخص» و «من» و «خود» برای انسان با اخلاص اهمیتی ندارد. اخلاص را دارد، اعتماد به خدا را هم دارد. می‌داند که خدای متعال حتماً این هدف را غالب خواهد کرد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۹/۲)؛ به عنوان نمونه: فرض کنید «همه کارهایی که نبی مکرم اسلام (ص) انجام داد و هدف او بود که آن‌ها را انجام دهد، انجام می‌گرفت، منتها به نام یک کس دیگر، آیا در آن صورت پیامبر اسلام ناراضی بود؟ آیا می‌گفت که چون به نام دیگری است، نخواهم کرد؟ آیا این گونه بود؟ قطعاً این گونه نبود، زیرا برای پیامبر اکرم (ص) تنها هدف مهم بود. حال این همه زحمات و سختی‌های پیامبر، به نام دیگری ثبت شود، مهم نیست؛ اما «نقطه مقابل اخلاص چیست؟ این است که انسان برای انگیزه‌های شخصی، خودگرایی، یا انگیزه‌های مادی، یا انگیزه‌های معنوی بی‌ارزش کار کند. بعضی از انگیزه‌ها، صرفاً مادی - به معنای مصطلح - و ملموس نیستند؛ اما کم‌ارزش‌اند. مثلاً پیدا کردن وجاهت در چشم مردم، مادی به معنای خاص نیست؛ لیکن یک چیز کم‌ارزشی است که بعضی به خاطر این انگیزه‌ها کاری را انجام می‌دهند که با انگیزه الهی، با راه درست و صراط مستقیم، منطبق نیست. این طبعاً نقطه مقابل «اخلاص» است؛ بنابراین هر چه که انسان انگیزه‌های خودش را از حالت خودپرستی و خودخواهی دورتر و والاتر کند، این می‌شود: «اخلاص» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۱۸).

«اهمیت «اخلاص» آنگاه روشن می‌شود که بدانیم اساساً خدای متعال همیشه روی کارهایی که از روی «اخلاص» باشد، تأثیرات بزرگی قرار می‌دهد؛ به بیان دیگر: هر کاری از روی «اخلاص» انجام گیرد، خدا به آن برکت خواهد داد و در مقابل، هر کاری را که از روی حسابگری‌های مادی انجام شود، متزلزل نموده هر چند ممکن است به نتایجی هم برسد، لکن خیلی از اوقات به نتیجه هم نخواهد رسید» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۸/۱۲). این در واقع معنای روایت معروفی است که می‌فرماید: «من كان لله كان الله له» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۹: ۱۹۷). «هر کس برای خدا باشد، قدرت الهی در خدمت او قرار می‌گیرد و به او کمک می‌کند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۸/۱۲). بر این اساس

می‌توان و می‌بایست برجسته‌ترین ویژگی «حاج قاسم» را اخلاص دانست. امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در دیدار خانواده شهید سلیمانی این ویژگی را در آن شهید چنین تأیید و تفسیر می‌نماید: «می‌بینید مردم چه کار دارند می‌کنند برای حاج قاسم؛ این برای شما تسلی است... بدانید که مردم قدر پدر شما را دانستند و این ناشی از اخلاص است؛ این اخلاص است؛ اگر اخلاص نباشد، این جور دل‌های مردم متوجه نمی‌شود؛ دل‌ها دست خدا است؛ این که دل‌ها این جور همه متوجه می‌شوند، نشان‌دهنده این است که یک اخلاص بزرگی در آن مرد وجود داشت» (امام‌خامنه‌ای، ۱۳/۱۰/۱۳۹۸).

۲) اهل خطر، خطرپذیری و شجاعت بودن

یکی از صفاتی که از تعابیر امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در توصیف ایشان مکرر مطرح شده، موضوع «اهل خطر بودن» و «بی‌پروا بودن» می‌باشد. تعابیری همچون: «برادر بسیار عزیزمان آقای سلیمانی بارها، بارها، بارها جان خودشان را در معرض تهاجم دشمن قرار داده‌اند، در راه خدا، برای خدا و مخلصاً لله؛ و مجاهدت کرده‌اند» (۹۷/۱۲/۱۹)؛ «به دهان خطر می‌رفت اما جان دیگران را تا می‌توانست حفظ می‌کرد» (۹۸/۱۰/۱۸)؛ «این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت» (۹۸/۱۰/۱۸)؛ «آن مردی که می‌رود جلوی دشمن و واهمه نمی‌کند» (۹۸/۱۰/۱۳)؛ «حاج قاسم صدمبار در معرض شهادت قرار گرفته بود؛ این بار اول نبود، ولی در راه خدا و انجام وظیفه و جهاد فی سبیل‌الله از هیچ چیز پروا نداشت؛ نه از دشمن پروا داشت، نه از حرف این و آن پروا داشت، نه از تحمل زحمت پروا داشت» (۹۸/۱۰/۱۳). این‌ها همه گویا مؤید وجود این صفت در شخصیت وی می‌باشد.

۳) مستقل بودن و فرا جناحی عمل کردن در سایر زمینه‌ها

امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص این ویژگی در وی چنین می‌فرماید: «در مسائل داخل کشور اهل حزب و جناح و مانند این‌ها نبود، لکن به شدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابیگری خطّ قرمز قطعی او بود؛ ذوب در انقلاب بود. پایبند به خطّ مبارک و نورانی امام راحل (ره) بود» (۹۸/۱۰/۱۸).

۴) بهره‌مندی از تفکر و عمل انقلابی

از همین پاراگراف بالا یکی دیگر از ویژگی‌های بسیار مهم شهید سلیمانی هویدا می‌گردد و آن بهره‌مندی از تفکر و عمل انقلابی است. همان‌گونه که امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این باره فرمودند که «انقلاب و انقلابیگری خطّ قرمزِ قطعی او بود؛ ذوب در انقلاب بود. پایبند به خطّ مبارک و نورانی امام راحل (ره) بود» (۹۸/۱۰/۱۸).

۵) ولایت مدار بودن

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و حیاتی در وجود و شخصیت حاج قاسم، شاخصه «ولایت مدار بودن» در او است. بدیهی است که این ویژگی از سوی امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در باب آن شهید عزیز نمی‌توانست مطرح گردد لکن این قدر این خصیصه در وی هویدا و پرآوازه است که برای نشان دادن و اثبات آن نیاز چندانی به سخن‌سرایی و قلم‌فرسایی وجود ندارد؛ به همین دلیل به یک جمله از وصیت‌نامه آن عزیز بسنده می‌شود. شهید سلیمانی در مراسم یادبود شهدای مدافع حرم چنین می‌فرماید: «والله والله والله از مهم‌ترین شئون عاقبت‌به‌خیری رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکیمی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد. در قیامت خواهیم دید مهم‌ترین محور محاسبه این است» (شهید سلیمانی، ۱۳۹۸/۱۰/۱۷).

۶) متخلق بودن به سلوک شهیدان و شهادت طلب بودن

یکی از ویژگی‌های دیگر حاج قاسم در نگاه امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، بهره‌مندی از سلوک شهیدان می‌باشد تا جایی که معظم‌له خطاب به وی می‌فرماید: «خود شما هم که آقای سلیمانی باشید، در نظر ما شهید زنده‌اید» (۱۳۷۶/۵/۱۳). معنای این سخن این است که حاج قاسم پیش از شهادت متخلق به زندگی و سلوک شهیدان بوده است و در این حین نیز به شدت شهادت طلب و مشتاق آن بوده که در این باره نیز امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) چنین می‌فرماید: «خوشا به حال حاج قاسم که به آرزویش رسید، او شوق شهادت داشت و برای آن اشک می‌ریخت و داغدار رفقای شهیدش بود» (۱۳۹۸/۱۰/۱۳).

۷) خستگی‌ناپذیری و مجاهدت مستمر

یکی دیگر از ویژگی‌های حاج قاسم از نگاه امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که می‌تواند به عنوان

یک شاخص برای پاسدار در تراز انقلاب اسلامی لحاظ شود، موضوع خستگی‌ناپذیری و به تبع آن طول و استمرار در مجاهدت و پافشاری و استقامت بر آن می‌باشد؛ در مجموع گفتمان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این باره جملات مختلفی از قرار زیر وجود دارد:

✓ «سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و سال‌ها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت.»

✓ «آن مردی که می‌رود جلوی دشمن و وا همه نمی‌کند و در همه میدان‌ها نه خستگی می‌فهمد، نه سرما می‌فهمد، نه گرما می‌فهمد، این اگر چنانچه در درون خودش در آن جهاد اکبر پیروز نشده بود، این جور نمی‌توانست جلوی دشمن برود.»

✓ «سردار شهید قاسم سلیمانی نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود. او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود» (امام خامنه‌ای، ۱۳/۱۰/۱۳۹۸).

۸) اهل منطق، تدبیر و دوراندیش بودن

یکی از ویژگی‌های یک «پاسدار در تراز انقلاب»، مبتنی بر اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ناظر بر کنش‌ها و واکنش‌های حاج قاسم سلیمانی، اهل منطق و تدبیر بودن است. این شاخص در زمانی بیان و تأکید می‌گردد که به ظاهر و در افکار عمومی وجه نظامی‌گری با صفت‌هایی مثل خشونت، سختی، تبعیت بی‌چون و چرا و امثالهم عجز شده است لکن امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به صراحت به این صفت تصریح و تأکید می‌نمایند و در خصوص حاج قاسم تعابیری از قرار زیر به کار می‌برند:

✓ «این شهید عزیز ما هم دل و جگر داشت به دهان خطر می‌رفت و ابا نداشت؛ هم باتدبیر بود؛ منطق داشت برای کارهایش. این شجاعت و تدبیر توأمان، فقط در میدان نظامی هم نبود، در میدان سیاست هم همین جور بود» (۱۳/۱۰/۱۳۹۸).

✓ «این مسئله بروز یک جریان به ظاهر مذهبی متمایل به یکی از فرقه‌ها و علیه مقاومت را ایشان مدّت‌ها قبل پیش‌بینی کرد. بعد از مدّتی داعش به وجود آمد. آدم با درایت و باهوشی بود» (۱۳۹۹/۹/۲۶).

۹) الگویی جامع بودن

علی‌رغم اینکه وظیفه اصلی پاسدار انقلاب، صیانت و پاسداری از انقلاب اسلامی است لکن باید بداند از نظر امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بهره‌مندی از شخصیتی جامع به طوری که در همه یا اکثر زمینه‌ها قابلیت الگودهی داشته باشد، یک اصل و شاخص می‌باشد. این مهم از تعابیر معظم‌له در خصوص حاج قاسم از قرار زیر قابل استنباط می‌باشد:

✓ «شهید سلیمانی نرم‌افزار مقاومت و الگوی مبارزه را به ملت‌ها تعلیم کرد» (۱۳۹۹/۹/۲۶).

✓ «سردار شهید عزیز را با چشم یک مکتب، یک‌راه، یک مدرسه درس آموز نگاه کنیم» (۱۳۹۸/۱۰/۲۷).

ب) نتیجه‌گیری کلی از گزاره‌ها

- ۱) مبتنی بر فرمایشات امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص شهید حاج قاسم سلیمانی - که در ۴۲ گزاره فوق‌الذکر جمع‌بندی شده است -، مجموع ویژگی‌ها و شاخص‌های احصاء شده در خصوص آن شهید، در دو بُعد «مجاهدت» و «عبودیت» دسته‌بندی می‌شود.
- ۲) شاخص‌های احصاء شده که بازتعریف ویژگی‌های آن شهید بزرگوار می‌باشد، نسبت به هم رابطه تأثیر و تأثر دارند؛ یعنی بر هم اثر می‌گذارند و از هم اثر می‌پذیرند.
- ۳) برخی از ویژگی‌های برشمرده شده از سوی امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص شهید سلیمانی در واقع تجمیع چند شاخص و ویژگی نزدیک به هم است که در اینجا به دلیل پرهیز از مطول‌گویی به عنوان یک شاخص آورده شده است.
- ۴) شاخص‌های احصاء شده از گفتمان امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به گونه‌ای است که متخلّق شدن به آنان ابتدائاً نیاز به شناخت، آموزش و آگاهی دارند و از سویی دیگر پس از آن باید فرد در راستای پیاده‌سازی آن باید تلاش و کوشش مستمری به خرج دهد.

- ۵) پس از کمی‌سازی شاخص‌ها و تأیید آن از سوی جامعه نخبگان- با روش‌هایی همچون دلفی- سیستم‌های نظارتی و صیانتی می‌توانند به سنجش وضعیت مخاطبین خود مبتنی بر آنان اقدام نمایند.
- ۶) بیان شاخص‌های پاسدار تراز انقلاب که از ویژگی‌های شهید قاسم سلیمانی به‌دست آمده است باید به گونه‌ای دست‌یافتنی توصیف و تبیین گردد؛ چراکه در غیراین صورت عملاً نمی‌توان آنان را به عنوان شاخص‌هایی جهت رشد و ارتقاء نظام پاسداری معرفی نمود.
- ۷) ترکیب این شاخص‌ها با هم منظومه‌ای چندوجهی را به مخاطب عرضه می‌کند که بدین ترتیب، نظام تربیتی پاسداری تشکیل و پایه‌گذاری می‌گردد.
- ۸) اینکه آیا شاخص‌ها نسبت به هم تقدم رتبه‌ای دارند یا نه و یا اینکه کدام‌یک در سیر تربیتی پاسدار تراز انقلاب اثر بیشتر یا کمتری دارند مسائلی است که پاسخ به آنان پژوهش‌های دیگری را می‌طلبد لکن تأکید امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) بر بعضی از آنان همچون «اخلاص» می‌تواند نشانه‌ای بر تقدم و اثرگذاری بیشتر آن نسبت به سایر شاخص‌ها باشد.

پیشنهادهات

- ۱) بیان شاخص‌های «پاسدار در تراز انقلاب» ابتدائاً گویای این امر است که سازمان‌ها و نهادهایی که کار ویژه اصلی آنان صیانت و پاسداری از انقلاب می‌باشد، باید اصل را بر کیفی‌گرایی قرار داده و در همه ابعاد به‌ویژه جذب، نگهداری و پرورش نیروی انسانی از کمی‌گرایی یا حتی کیفی‌گرایی سطحی عبور نماید؛
- ۲) مهم‌ترین وجه شاخص و شاخص‌گذاری قابلیت عملیاتی شدن آن‌ها است. وقتی شاخص از یک کیس مورد مطالعه احصاء می‌شود بدین معناست که پیش‌ازاین، آن شاخص اجرایی شده و در شرایط برابر قابلیت اجرایی شدن در هر فرد دیگر را دارد. به دیگر سخن، وقتی ویژگی‌های حاج قاسم سلیمانی به عنوان شاخص تراز پاسداری از انقلاب، قرار می‌گیرد بدین معناست که این ویژگی‌ها در هر فردی که بخواهد- در صورت حرکت بر همان مدار-، قابلیت به دست آمدن دارد؛ پس این شاخص‌ها به بهترین و مناسب‌ترین وجه ممکن باید در

معرض مخاطب قرار گیرد و در فرآیندهای تعلیم و تربیت روند جامعه‌پذیری و نهادینه شدن آن سپری گردد.

(۳) بیان ویژگی‌های حاج قاسم از سوی رهبر معظم انقلاب به‌منزله تأیید آن ویژگی در همان سطح عملیاتی شده می‌باشد؛ بنابراین قابلیت عرضه به عنوان یک شاخص متقن در هر نهاد یا سازمان مدعی پاسداری از انقلاب اسلامی دارد لکن می‌بایست جهت فهم بهتر و عملیاتی شدن کامل آنان در سازمان و فرد، مبتنی بر فرهنگ‌سازمانی آن سازه بازتعریف و عرضه گردد.

(۴) باید دانست که تربیت یک مقوله مطول و خطی است و نه نقطه‌ای؛ لکن صرفاً در یک نقطه و برهه می‌تواند بیشترین تجلی و ظهور را داشته باشد. همان‌گونه که امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص حاج قاسم می‌فرماید: «پایه‌گذاری امثال قاسم سلیمانی‌ها در دوران دفاع مقدس گذاشته شد» (۱۳۹۸/۶/۳۱)؛ بنابراین باید دانست برای رسیدن به یک پاسدار در تراز انقلاب اسلامی باید سال‌ها برنامه‌ریزی نمود و در معرکه‌های مختلف او را آزمود تا فرد ساخته و آب‌دیده و درنهایت قابل اتکاء گردد.

(۵) معرفی شاخص‌های پاسدار تراز انقلاب با استفاده از ظرفیت‌های مختلف فرهنگی و هنری و ارائه به جامعه پاسداری یکی از مهم‌ترین شیوه‌های نهادینه‌سازی و فرهنگ‌سازی این شاخص‌ها می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. اکبری مزدآبادی، علی (۱۳۹۸). ذوالفقار، تهران: انتشارات یازهر اسلام‌الله علیها.
۲. امام خامنه‌ای (۱۳۹۹/۲/۲۸). بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی.
۳. امام خامنه‌ای (۱۳۷۰/۰۵/۳۰). سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدا، مفقودان و جانبازان و آزادگان استان لرستان.
۴. امام خامنه‌ای (۱۳۹۶/۸/۳۰). پاسخ به نامه سپهبد شهید قاسم سلیمانی درباره‌ی پایان سیطره‌ی شجره خبیثه داعش.
۵. امام خامنه‌ای (۱۳۹۰/۷/۲۲). بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه.
۶. امام خامنه‌ای (۱۳۷۸/۰۶/۰۲). بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران.
۷. امام خامنه‌ای (۱۳۷۲/۸/۱۲). بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان.
۸. امام خامنه‌ای (۱۳۹۸/۱۰/۱۳). بیانات در منزل سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی.
۹. امام خامنه‌ای (۱۳۷۶/۵/۱۳). بیانات با اعضای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان.
۱۰. امام خامنه‌ای (۱۳۷۶/۱۱/۱۴). گفت‌و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان.
۱۱. امام خامنه‌ای (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم انقلاب به مناسبت چهل‌سالگی انقلاب اسلامی ایران.
۱۲. امام خامنه‌ای (۱۳۹۸/۱۱/۱۶). بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم.
۱۳. امام خامنه‌ای (۱۳۹۸/۱۰/۱۸). بیانات در دیدار با مردم قم.
۱۴. امام خامنه‌ای (۱۳۷۷/۷/۱۸). بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از بانوان اندیشمند.
۱۵. امام خامنه‌ای (۱۳۹۷/۱۲/۱۹). بیانات در مراسم اعطای نشان ذوالفقار به حاج قاسم سلیمانی.
۱۶. امام خامنه‌ای (۱۳۹۲/۶/۱۹). پیام تسلیت به مناسبت درگذشت مادر سردار سلیمانی.

۱۷. امام خامنه‌ای (۱۳۷۷/۹/۲). بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان.
۱۸. امام خامنه‌ای (۱۳۶۸/۰۵/۲۵). بیانات جمع فرزندان ممتاز شهدا، مسئولان بنیاد شهید و گروهی از دانشجویان پاکستانی.
۱۹. امام خامنه‌ای (۱۳۹۹/۹/۲۶). بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم و خانواده شهید.
۲۰. امام خامنه‌ای (۱۳۹۸/۱۰/۲۷). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران.
۲۱. امام خامنه‌ای (۱۳۹۸/۱۱/۲۹). بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی.
۲۲. امام خامنه‌ای (۱۳۹۸/۶/۳۱). بیانات در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آئین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس.
۲۳. امام خامنه‌ای (۱۳۹۴/۰۶/۲۵). بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۴. امام خامنه‌ای (۱۳۷۱/۱۱/۰۶). بیانات در دیدار سپاه پاسداران و نیروی انتظامی، به مناسبت سوم شعبان.
۲۵. امام خامنه‌ای (۱۳۶۹/۱۱/۲۹). سخنرانی در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران سپاه و ... در روز پاسدار.
۲۶. امام خامنه‌ای (۱۳۶۹/۱۰/۱۰). بیانات در دیدار با فرماندهان و جمعی از پاسداران کمیته‌های انقلاب اسلامی.
۲۷. امام خامنه‌ای (۱۳۷۶/۰۹/۱۳). بیانات جمع گروه کثیری از پاسداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۲۸. بصیری، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۶). واکاوی تهدیدات امنیتی داعش بر محور مقاومت، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی شماره ۴۸.
۲۹. سلیمانی، حاج قاسم (۱۳۹۸/۱۰/۱۷). بیانات در یادبود شهدای مدافع حرم
۳۰. خسروشاهی، هادی (۱۳۹۷/۱۰/۵)، بازدارندگی محور مقاومت، روزنامه سازندگی
۳۱. روزنامه همشهری (۱۳۹۹/۱۰/۱۳). مصاحبه با سید حسین موسویان،
- www.Hamshahri.ir
۳۲. سلیمانی، قاسم (۱۳۹۹)، از چیزی نمی‌ترسیم، انتشارات مؤسسه مکتب حاج قاسم

۳۳. فاش نیوز (۱۳۹۸/۱۱/۱۵). دیدگاه زلمای در خصوص حاج قاسم سلیمانی؛
Fashnews.ir
۳۴. کریمی، ابوالفضل (۱۳۹۶). نقش ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور
مقاومت، فصلنامه ملل، ۲۰.
۳۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحار الأنوار، ج ۷۹؛ انتشارات اهل بیت علیهم السلام.
۳۶. مشرق نیوز (۱۳۹۶/۲/۲۴). قاسم سلیمانی از زبان دیگران، Mashreghnews.ir
۳۷. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۹۸). معجزه اخلاص؛ انتشارات مؤسسه
انقلاب اسلامی.
۳۸. مؤسسه مکتب حاج قاسم (۱۳۹۹). میثاق نامه مکتب حاج قاسم، انتشارات مؤسسه مکتب
حاج قاسم.
۳۹. نصرالله، سید حسن (۱۳۹۵). مصاحبه با موضوع «آخرین تحولات منطقه»، خبرگزاری
جمهوری اسلامی ایران.
۴۰. نصرالله، سید حسن (۱۳۹۸/۱۱/۲۴). مصاحبه به مناسبت چهلمین روز شهادت حاج قاسم،
خبرگزاری جمهوری اسلامی.
۴۱. همشهری آنلاین (۱۳۹۸/۱۱/۱۰)، حاج قاسم سلیمانی در نگاه دیگران؛
Hamshahrionline.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی